

مقدمه:

ابونصر محمد فارابی (۲۶۰-۳۳۰ هجری شمسی) متولد فاراب (ترکمنستان کنونی) می باشد. وی از بزرگترین فیلسوفان ایرانی - شرقی در سده های سوم و چهارم هجری است. اهمیت فارابی بیشتر بدلیل شرح هایی است که بر آثار ارسطو نگاشته است، به همین دلیل است که او را معلم ثانی نامیده و در مقام بعد از ارسطو قرار داده اند. فارابی آثار و مباحث متعددی دارد. که یکی از مهمترین آنها بحث مربوط به انواع اجتماعات انسانی است.

فارابی؛ مدینه ها یا اجتماعات انسانی (جوامع انسانی) را به دو دسته کلی **مدینه فاضله و مدینه جاهله** تقسیم بندی کرده است.

مدینه فاضله: جامعه ای حق است که باورها و ارزش های آن ناظر به سعادت دنیوی و اخروی همه انسانهاست.

مدینه جاهله: جامعه ای باطل است و انواع مختلفی دارد که برخی از آنها عبارتند از: مدینه فاسقه - مدینه تغلب - مدینه ضاله - مدینه مبدله - مدینه جماعیه و ...

ویژگی های مدینه تغلب: (یکی از انواع مدینه جاهله)

- ۱- مردم آن شیفته غلبه بر اقوام و ملت های دیگر هستند و هدف آنها خوار و مقهور کردن جوامع دیگر است به گونه ای که ملت مقهور (شکست خورده) نه مالک جان خود باشند و نه مال خود و نه هیچ چیز دیگر.
- ۲- مردم آن؛ سلطه بر دیگر جوامع را ارزش برتر می دانند.
- ۳- مردم آن گمان می کنند که تنها آنان هستند که خوشبخت، پیروز و مورد رشک و حسد دیگران هستند و از همه جوامع دیگر برترند.
- ۴- مردم آن خودخواه هستند و همواره می خواهند که دیگران آنها را ستایش کرده و چاپلوسی کنند.
- ۵- مردم آن گمان می کنند که ملت های دیگر نتوانسته اند به موقعیت آنها برسند و اصولاً چنین سعادت را هم ندارند.
- ۶- مردم آن بر یکدیگر هم رحم نمی کنند و خواهان غلبه بر افراد جامعه خودشان هم هستند اما از آنجائیکه می دانند برای بقای جامعه خود و غلبه بر سایر جوامع به همدیگر نیاز دارند؛ ناچارند از غلبه بر همدیگر خودداری کنند.

بطور خلاصه: جامعه تغلب؛ جامعه ای است که مردمان آن: خودخواه - خود شیفته - خود حق پندار - سلطه جو و سلطه گر هستند.

با توجه به بحث مربوط به جهانی شدن فرهنگ ها. جامعه تغلب در صورت جهانی شدن به گونه نخست تعلق خواهد داشت (فرهنگ هایی که عقاید، ارزش ها و هنجارهای آن صرفاً در خدمت گروه و قوم خاصی است و لذا سعادت همه انسان ها را دنبال نکرده و لیاقت و شایستگی جهانی شدن را ندارند. اما از طریق سلطه / ثروت و تبلیغات؛ فرهنگ خود را به جوامع دیگر تحمیل می کنند). جامعه تغلب؛ نمونه ای از فرهنگ های سلطه و استکبار می باشد.

جهان گشایی و امپراتوری: (Empire)امپراتوری به چه معناست؟

امپراتوری: به معنای: استیلا یا سلطه یک قوم یا یک ملت بر چندین قوم و ملت دیگر با فرهنگ ها و نژادهای مختلف می باشد. (به عبارت دیگر: امپراتوری عبارت است از سلطه یک پادشاه یا حاکم بر چندین کشور و سرزمین با فرهنگها و نژادهای مختلف). **در زبان فارسی؛ امپراتوری به معنای شاهنشاهی است.**

امپراتوری و شاهنشاهی از چه طریقی شکل می گیرد؟

امپراتوری و شاهنشاهی از طریق کشورگشایی / جهان گشایی و با قدرت نظامی و حضور مستقیم سربازان شکل می گیرد. جهان گشایی و امپراتوری غالباً با چه فجایع و خسارت هایی همراه است؟

جهان گشایی و امپراطوی اغلب با کشتار و خسارت های انسانی و اقتصادی فراوانی همراه است. مثال: امپراتوری مغول

نکته: فرهنگ سلطه و استکبار (فرهنگ هایی که سلطه بر دیگر جوامع را ارزش اجتماعی برتر می داند): امپراتوری های بزرگ را بوجود آورده است.

فرهنگ سلطه و استکبار ← امپراتوری های بزرگ (شاهنشاهی های بزرگ)

سوال: آیا غلبه نظامی همواره با غلبه فرهنگی همراه است؟ یعنی: آیا اقوامی که با قدرت نظامی بر دیگر اقوام سلطه یافته اند؛ همواره توانسته اند فرهنگ خود را نیز بر آنها تحمیل کنند؟؟

جواب این سوال منفی است.. قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می خورد؛ در صورتی که هویت فرهنگی خود را حفظ کند؛ با ضعیف شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم؛ می تواند استقلال سیاسی خود را بدست آورد و اگر فرهنگی غنی و قوی داشته باشد، می تواند قوم مهاجم را در درون فرهنگ خود هضم نموده و آنها را به خدمت گیرد.

بنابراین: سلطه نظامی؛ همواره با سلطه فرهنگی همراه نیست. (سلطه نظامی همواره به سلطه فرهنگی منجر نمی شود)

مثال: مغولان با قدرت نظامی خود مناطق وسیعی از جهان را تصرف کردند؛ اما فرهنگ مغولان، قومی و قبیله ای بوده و لیاقت و شایستگی جهانی شدن را نداشت. لذا آنان بسرعت تحت تاثیر فرهنگ هایی قرار گرفتند که از نظر نظامی شکست خورده بودند. به همین دلیل، امپراتوری مغول در چین، هند و ایران تحت تاثیر فرهنگ های اقوام مغلوب گرفت و این امپراتوری هویتی چینی- هندی و ایرانی پیدا کرده و بصورت سه حکومت مستقل درآمد.

مثال: مغولان در ایران اسلام آورده و سکه های مغولی منقوش به آیات قرآنی بود/ الجایتو یکی از پادشاهان مغول؛ تحت تاثیر فرهنگ ایرانی- اسلامی نام خود را به سلطان محمد خدابنده تغییر داد.

مثال دیگر: پس از حمله اسکندر مقدونی به ایران در دوران هخامنشیان؛ اسکندر؛ تلاش بسیاری برای تحمیل فرهنگ یونانی در ایران نمود از جمله اینکه چند هزار از خانواده های یونانی را به ایران کوچاند تا فرهنگ یونانی را ترویج کنند. اما فرهنگ یونانی بدلیل اینکه در قبال فرهنگ ایرانی حرفی برای گفتن نداشت. نتوانست تاثیری در ایرانی ها بگذارد.

امپریالیسم و استعمار (معرفی اشکال مختلف سلطه غرب)

اروپا در ۵ قرن اخیر (۵۰۰ سال اخیر) کانون شکل گیری فرهنگ جدیدی است که بنام فرهنگ غرب شناخته می شود. فرهنگ غرب در این مدت، اشکال (شکل های) مختلفی از سلطه را پدید آورده است که از آنها با نام هایی چون امپریالیسم و استعمار یاد کرده اند.

امپریالیسم و استعمار؛ شکل های جدید سلطه در ۵ قرن اخیر است که توسط فرهنگ غرب ایجاد شده است.

امپریالیسم: از امپراتوری گرفته شده و به معنای نظام سلطه یا امپراتوری طلبی است. امپریالیسم؛ به هر نوع سلطه ای گفته می شود (به بیان ساده تر؛ امپریالیسم؛ سیاستی است که می خواهد سایر کشورها را تحت نفوذ و سلطه خودش بگیرد).

اشکال و انواع امپریالیسم :

الف) امپریالیسم سیاسی : از طریق اشغال نظامی جوامع ضعیف شکل می گیرد.

ب) امپریالیسم اقتصادی : از طریق تصرف اقتصادی (تصرف بازارها و مواد خام) جوامع دیگر شکل می گیرد.

ج) امپریالیسم فرهنگی : از طریق تصرف فرهنگی جوامع دیگر شکل می گیرد. امپریالیسم فرهنگی معمولاً در شرایطی رخ می دهد که جامعه ای تحت تصرف اقتصادی یا نظامی جامعه دیگر قرار گرفته است؛ مقاومت فرهنگی خود را نیز از دست می دهد و برتری فرهنگی جامعه مسلط را می پذیرد.

استعمار : به معنای : اشغال یک سرزمین خارجی با توسل به قدرت نظامی و سیاسی است. کشور فاتح(اشغال گر) را دولت استعماری و کشور به بند کشیده شده (تحت اشغال) را مستعمره می نامند.

استعمار : واژه ای عربی است به معنای عمران و آبادانی خواستن. اما در واقع استعمار؛ سیاست امپریالیستی است که هدف آن تاراج منابع و بهره کشی از جوامع دیگر و بویژه جوامع ناتوان است.

تاریخچه استعمار :

استعمار: نوعی از جهان گشایی و کشورگشایی است که از **قرن ۱۵ میلادی** به بعد توسط اروپاییان آغاز شد و در **قرن ۱۹ میلادی** به اوج رسید. در قرن ۱۹ میلادی؛ تصرفات اروپاییان از **۳۵ درصد** کره زمین به **۶۷ درصد** رسید. (اروپاییان در قرن نوزدهم ۶۷ درصد کره زمین را تحت اشغال خودشان داشتند).

دلایل موفقیت استعمار اروپاییان :

الف) پیشرفت در زمینه دریانوردی (ب) پیشرفت در زمینه فنون نظامی (ج) پیشرفت در زمینه اقتصاد صنعتی

اروپاییان در استعمار قاره آمریکا، برای تامین سلطه خود (برای اینکه بر قاره آمریکا مسلط شوند)؛ به نسل کشی و از بین بردن ساکنان بومی قاره آمریکا پرداختند. به گونه ای که آنها در یک دوره ۵۰ ساله؛ پانزده میلیون سرخ پوست را نابود کردند و مناطقی مانند هائیتی - کوبا - نیکاراگوئه و سواحل ونزوئلا را که تراکم جمعیتی بالایی داشتند؛ از جمعیت خالی کردند.

انواع استعمار :

الف) استعمار کلاسیک (قدیمی): استعماری است که با حضور نظامی و مستقیم دولت استعماری همراه است.

ب) استعمار نو (مدرن): استعماری است که طی آن دولت استعماری خودش حضور مستقیم ندارد بلکه از مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره برای اهداف استعماری خود استفاده می کند. دولت استعماری در دوران استعمار کلاسیک خود که حضور مستقیم داشت؛ نیروها و افرادی را در کشور مستعمره شناسایی می کند تا در صورت بروز جنبش های ضد استعماری در کشور مستعمره؛ از طریق آن افراد بومی ؛ منافع خود را تامین کند.

استعمار نو (استعماری است که دولت استعماری از طریق مجریان و عوامل بومی و داخلی؛ به استعمار خود ادامه می دهد. این نوع استعمار پدیده ای قرن بیستمی است)

استعمار نو پس از شکل گیری جنبش های استقلال طلبانه در کشورهای مستعمره طی قرن بیستم بوجود آمد.

مکانیسم های استعمار نو (رویه هایی که دولت استعماری؛ بازارها و سیاست کشورهای دیگر را کنترل می کند):

الف) اتکا به قدرت اقتصادی خود و با استفاده از نهادها و سازمان های اقتصادی و سیاسی بین المللی

ب) از طریق استقرار دولت های دست نشانده در کشورهای مدنظر (از طریق کودتا و ...)

مثال : کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ رضا خان در ایران با حمایت دولت انگلیس / کودتای امریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که به برکناری دکتر مصدق در ایران انجامید / کودتای امریکایی = انگلیسی نوژه که به قصد ضربه زدن به انقلاب اسلامی طراحی شده بود و شکست خورد. (کودتای نوژه نمونه شکست خورده استعمار نو محسوب می شود).

استعمار فرانو: (استعمار پسامدرن)

استعماری که در آن بیش از آنکه از ابزارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی استفاده شود؛ ظرفیت های فرهنگی و علمی و بویژه رسانه ها و فناوری اطلاعات مورد استفاده قرار می گیرد.

شاخص یا مشخصه اصلی استعمار فرانو : استفاده از ابزارهای فرهنگی و رسانه ها و فناوری اطلاعاتی است.

در استعمار فرانو: جهان غرب؛ هویت فرهنگی دیگر کشورها هدف قرار می گیرد. یعنی به عقاید، آرمان ها و ارزش های فرهنگی هجوم برده شده و بجای آن باورها و ارزش های فرهنگ غربی؛ تبلیغ و ترویج می شود.

استعمار فرانو : هویت فرهنگی جوامع دیگر را نشانده رفته است. روح و شالوده جوامع دیگر را نشانده رفته است.

نکته : مردم جوامع دیگر که در صورتیکه برتری فرهنگی جهان غرب را پذیرفته باشند. هویت خود را در حاشیه جهان غرب جستجو کرده و مسیری را دنبال می کنند که جهان غرب برایشان ترسیم کرده است.

مقایسه اجمالی سه نوع استعمار و تطبیق انواع استعمار با انواع امپریالیسم

انواع استعمار	ابزارها	ویژگی ها
استعمار قدیم (کلاسیک)	نظامی (اشغال نظامی)	حضور مستقیم و آشکار استعمارگران
استعمار نو (مدرن)	اقتصادی و سیاسی (نهادها و سازمان های اقتصادی و سیاسی بین المللی/دولت های دست نشانده/کنترل بازار و سیاست)	پنهان بودن استعمارگران و آشکار بودن مجریان
استعمار فرانو (پسامدرن)	فرهنگی (رسانه ها و فناوری اطلاعات)	پنهان بودن استعمارگران و مجریان

استعمار قدیم (کلاسیک): استعمارگران حضور مستقیم و آشکار دارند (اشغال نظامی) مطابق با : (امپریالیسم سیاسی)

استعمار نو (مدرن): استعمارگران پنهان و مجریان آشکارند (سلطه بر اقتصاد و سیاست) مطابق با : (امپریالیسم اقتصادی)

استعمار فرانو (پسامدرن): استعمارگران و مجریان هر دو پنهانند. (سلطه بر فرهنگ جامعه و هویت افراد) مطابق با : (امپریالیسم فرهنگی)